

باسمه تعالی

متن تدریس استاد آیت الله علی دوست

عنوان جلسه: روش شناسی تحصیل خارج

دوره «درس خارج و تحصیل موفق»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمُ الْغَاصِبِينَ الظَّالِمِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

وَ اهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط
مستقيم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا
خدای بزرگ را شاکرم توفیقی داده که فرصتی را محضر شما بزرگواران و
امیدهای آینده حوزه باشم. از بزرگوارانی که مؤسس و بانی این نشست ها بودند
تشکر می کنم علی الله اجرهم و لله درهم

موضوعی که قرار است من محضر شما و بزرگوارانی که در برنامه حضور دارند
ولو در جلسه ما نیستند مطرح کنم روش شناسی تحصیل درس خارج است.

قطعا این موضوع وقت بیشتری می خواهد نسبت به وقتی که حقیر قول دادم و
برای من در نظر گرفته شده ولی چون شما از فضلا و فرهیختگان هستید می
شود در همین فرصت کم بحثی که رضایت بخش باشد ارائه داد. بگذارید من از
قرآن شروع کنم آیه ای که تلاوت کردم

لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا

در این کریمه ولو مورد آیه، مورد خاص است ولی مستحضرید آنچه که بیان شده مثل خیلی از جاهای دیگر یک اصل کلی است در واقع این آیه به همه انسانها فرمان می دهد که کار را باید از مسیر خودش دنبال کرد از راه خودش رفت منتهی با تشبیه معقول به محسوس می آید خانه و دری را تصور می کند انسانی که نمی خواهد از در وارد شود و انسانی که دستور پیدا می کند از در وارد شود. من داشتم با خودم فکر می کردم یکی دو ساعت درگیر همین بحث بودم گفتم واقعاً حالا ذهن چه کسی بوده در این مؤسسه محترم به این مطلب گیر داده که فضایی که می خواهند وارد شوند اساتیدی بیایند و یکی دو روز بحث هایی را صورت بدهند اینها را قدر بدانیم و قدر می دانیم برای تجربه کار بسیار مؤثر و مفید است در آن حدیث معروفی که حضرت امیر علیه السلام به

امام مجتبی می فرمایند: پسرم

أَيُّ بُنَى، إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرُ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي

من عمر پیشینیان را ندارم اما

فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ

تأمل کردم مطالعه کردم

وَسِرْتُ فِي آثَارِهِمْ

سیر کردم

حَتَّى عُذْتُ كَأَحَدِهِمْ

گویا شدم یکی از آنها

بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلَاهِمُ إِلَى آخِرِهِمْ^۱

^۱ - نهج البلاغه ، وصیت سی و یکم

یعنی تجربه، دانش پیشینیان را در دستم دارم. گویا یک عمر چند هزار ساله دارم

من عرض می‌کنم که فضلا یکی از ارکان رشد انسان، استفاده از تجربه دیگران است. بله معلم خوب، معلم نیک، اراده پولادین، مسائل معنوی، ارتباط با امام زمان و اهل بیت علیهم السلام، توکل، توسل، همه اینها مؤثر است. اما یک عنصر مؤثر که در کنار اینها می‌درخشد، استفاده از تجربه دیگران است. گاهی انسان مسیر طولانی‌ای را می‌رود ولی آخر کار می‌گوید ای کاش من این مسیر را نرفته بودم. ای کاش من این روش را برای درس برگزیده بودم. ای کاش این کتاب را ننوشته بودم آنگونه نوشته بودم. مگر کم داریم.

این است که بحث‌هایی مثل موضوع بحث ما؛ روش‌شناسی تحصیل خارج یا عناوینی که قاعدتاً این دو روز محضر شما اساتید بیان کردند، از عناصری است که می‌تواند در توفیق انسان مؤثر باشد.

یک شوخی بکنم با قدر جدی. بدشانسی که بحث من آورده این است که ظاهراً آخرین بحث در این دو روز. به قول آن بنده خدا گفت متأسفانه هرچه حرف خوب بوده زدند و دیگر حرفی نبوده. البته شوخی است. هیچ وقت حرف نه بد آن تمام می‌شود نه خوب آن تمام می‌شود.

من از اینجا شروع می‌کنم به نظر شما چگونه است؟

روش‌شناسی تحصیل درس خارج

اگر بخواهیم روش‌شناسی بکنیم به قول غربیها راجع به این بحث متدلوژی داشته باشیم، باید ببینیم که ما در درس خارج دنبال چه چیزی هستیم. متناسب با هدفی که هست روش و ابزار را تعریف کنیم. یکی از بهترین راههای روش

شناسی این است که انسان، اول هدف را بشناسد. هدف را که شناخت دیگر ابزار و روش را انتخاب می کند جلو می رود. در این کتابی که من مشغول هستم کتاب اول تمام شده روش شناسی اجتهاد آنجا عرض کردم ما باید هدف را بشناسیم بعد دنبال روش برویم.

هدف از درس خارج، تحصیل خارج به نظر من سه چیز می تواند باشد البته شاید یکجا یک کسی گفته باشد چهارتا مثلاً، حالا من که ندیدم. نگویند این اختلاف فکر است نه، این این بیان است اختلاف بیان است.

آنکه به نظر ما می رسد در درس خارج محصل باید دنبال سه چیز باشد حالا استادش هست نیست البته آن هم باید باشد.

اولاً: در درس خارج انسان دنبال دانش افزایی است مثلاً یک مسئله ای مطرح می شود یاد می گیرد. فرض کنید خارج صلاه می رود استاد مطرح می کند قران بین صورتین مکروه هست یا حرام است نماز را باطل می کند. نمی دانست یاد گرفت. فکر می کرد قران بین صورتین اشکال ندارد در درس یاد گرفت که کراهت دارد یا نماز را باطل می کند. اسم این را دانش افزایی می گذاریم. اگر انسان به دانش او یک چیزی اضافه شود. یا خارج اصول می رود بحث می شود در اینکه شرط مفهوم دارد یا ندارد، اختلاف است. بعضی ها می گویند شرط مفهوم دارد. بعضی ها می گویند شرط مفهوم ندارد. تا امروز مثلاً نمی دانست حالا امروز یاد گرفت. یک کار درس خارج این است.

کار دومی که در درس خارج هم محصل، هم استاد باید دنبال آن باشد، یاد گرفتن فوتهای کوزه گری، یاد گرفتن روشها، مدیریت بحث. این را خیلی دقت

کنید. یعنی هم استاد باید اهل این کار باشد حالا اگر استاد هم نبود خود محصل این کمبود را جبران کند. روشها را در درس خارج بگیرد.

مثلاً وقتی یک مسئله ای در عبادات، سیاسات، معاملات مطرح شد، ببیند که فلان فقیه چگونه این بحث را اداره کرد. دیگری چه کار کرد. چون در درس خارج فرض بر این است که انسان، افکار مختلف را می بیند. اگر نبیند که خارج نیست مارج است. اگر فرض کنیم درس خارج است، حداقل سه چهار نظر می بیند. روش را یاد بگیرد. من همین امروز کلاس داشتم برای شما مثال بزنم در بحث شهرت می دانید که میرزای نائینی شهرت را سه قسم می کند: شهرت روایی، فتوایی، عملی. بعد در یک بحث زیبایی فنی وارد می شود که این شهرتها آیا در وقت تعارض مرجح هست یا نه؟ آیا جابر ضعف سند هست اگر روایت ضعیف باشد؟ آیا موهن و سست کننده هستاگر شهرت برخلاف روایت معتبر باشد؟ آیا کاسر هست البته ایشان دیگر کسر را نمی گوید ما اضافه می کنیم. بعد شروع می کند نظر دادن می گوید اگر شهرت روایی باشد مرجح هست. آن دوتا باشد چیست دیگر مثال را برای شما ادامه نمی دهم.

اینجا کسی که این درس خارج را می بیند باید ببیند میرزای نائینی مثلاً روش مدرسه ای دارد روش ریاضی دارد صغری کبری نتیجه دارد یا روش تجمیع ظنون دارد. آیا می آید قاعده محور رفتار می کند درست یا نه، می آید قرائن و شواهد را کنار هم می چیند؟ مکاسب شیخ انصاری مقابل روش مدرسه ای است بحث می کند قاعده را می گوید یک دفعه می گوید لکن الانصاف. ما سالهای ۵۹-۶۰ مکاسب می خواندیم خود من یادم است که از استاد می پرسیدم این انصافهای مکاسب دیگر چیست؟ قرآن است حدیث است عقل است؟ گفت نه

اینها هیچ کدامش نیست گفتم پس چیست؟ گفت مگر نشنیدی یادم نمی رود نزدیک به چهل سال می شود گفت مگر نشنیدی که می گویند شیخ انصاری ادله اربعه را پنج تا کرده انصاف هم اضافه کرده. ایشان دفع شر کرد ولی من قانع نشدم. این کشید کشید این روش شناسی اجتهادی که ما حدود دو دهه هست من مشغول آن هستم هنوز هم شاید یک دهه ما را سرگرم کند حاصل آن سوال آنجاست که برای من سوال بود که این چه روشی است. یک متد است یک روش است. این روش را کنار روش آقای ایروانی بگذارید از کتابهایی نام می برم که آشنا باشید گاهی وقتها ایروانی می گویند والله به خدا من که نفهمیدم شیخ چرا اینگونه کار می کند. چون ما مخصوصاً نجف، روش شناسی خیلی مرسوم نبوده الان هم نیست. اخیراً در قم یک مقداری راه افتاده ولی ای کاش به این شکل راه نمی افتاد چون دارد یک چیز مبتدلی از کار درمی آید حالا بنا به علل و ادله ای ولی به هر حال دارد مطرح می شود از این جهت نباید نگران بود و باید به فال نیک زد. ولی در غرب اینگونه نیست در غرب یکی از کارهای خوبی که انجام شده همین بحث روش شناسی است. مثلاً یکی از غریبها روش شناسی فقهاتی ابن ادریس خیلی عجیب است ولی داریم به نظرم خودم هم در کتابخانه داریم ولی یادم نیست گرفتم یا از جایی گرفتم.

(برگردیم سر مقصد) در درس خارج، درس کشف روشهاست. اگر روشی را درنیاورید و نیاوریم یکی از اهداف درس خارج از آن اهداف سه گانه می لنگد. دیدید بعضی ها می گویند فلانی سی سال درس فلان آقا رفت. گاهی در زندگی بعضی علما داریم برای اینکه خوب هم اهتمام شخص را بگویند حالا یا عظمت شاگرد را بخواهند بگویند یا عظمت استاد را می گویند مثلاً محقق فلانی سی

سال درس فلانی رفت فقط دو روز غائب شد یک روز عاشورا بود بعد فهمید که استاد به مناسبت گفته حالا این را گاهی افسانه هم می بافند. یک روز هم باران شدید آمده بود یقین کرد استاد نمی رود از قضا استاد زودتر از هر روز رفته بود. ببینید سی سال که درس خارج نمی خواهد. اگر کسی سی سال درس خارج برود استفاده کند یا درس مشکل دارد یا شاگرد مشکل دارد یا هر دو مشکل دارند. برای چه سی سال درس خارج می روی رها کن. این برای این است که درس نتوانسته متد، روش بدهد و الا اگر درس از یک روش متابعت کند دیگر شاگرد بعد از حالا من مثل بعضی ها نمی گویم چهار پنج شش سال درس خارج بروی گفت که مجتهد می کند. نه، حالا آن هم مثلاً افراط باشد اما دیگر در یک استعداد متوسط به بالا باید با ۱۰ سال ۱۲ سال دیگر مستقل شود مستغنی شود روشها را دریاورد حالا از یک استاد از چندتا استاد.

پس این را دوست دارم روی آن فکر و تأمل کنید درس خارج غیر از آن حیث دانش افزایی که مثال زدم که آدم در درس که می رود یک چیزی یاد می گیرد. دوم: روش شناسی کار را باید یاد بگیرد. فرق هم نمی کند اصول باشد یا فقه باشد. حتی فقه هم معاملات باشد عبادات باشد سیاسات باشد روش شناسی. باز در فقه هم که می دانید غیر از اینکه حالا خود فقه روش دارد ابوابش هم فرق می کند. ما ممکن است در عبادات خیلی نتوانیم از ابزار عقلا و عقل و تعامل با نصوص با این نگاه و کار میدانی استفاده کنیم اما در معاملات از کار میدانی باید استفاده شود بیشتر از عبادات و هکذا.

اگر فرصت بود باز مثالها، موارد زده می شد ولی خیلی شما را منتظر نگذارم إن شاء الله این کتاب چون بخش اول آن نوشته شده دارد برای چاپ آماده می شود

فکر می کنم تا پنج شش ماه دیگر در بازار بیاید. جالب نیست که بنده بگویم این کتاب را بخوانید ولی مصلحت شما بیشتر از این حرفهاست که حالا زیدی فکر کند بنده به چه قصدی گفتم آن خودش هرطور می خواهد فکر کند. بنده باشم اگر این کتاب یک زمانی بیرون بیاید می خوانم می بینم بعد متوجه می شوید آن نکته ای که من عرض می کردم ضلع دوم درس خارج چرا.

نکته سوم: آشنایی با تراث

یعنی چه؟ ما یک مشکل عمده ای در حوزه داریم عدم قدرت بر ارتباط فضلا با تراث است. یعنی یک فاضل حوزوی ما ارتباط با تراث نمی تواند برقرار کند. درس خارج می خواند ولی یک متن جواهر به او بدهی نمی تواند مطالعه و مباحثه کند. تخصصی تفسیر می رود یک وقت جسارت به مراکز تخصصی نباشد درد است. دارد دکترا هم می گیرد دکترای تخصصی تفسیر ولی اگر تفسیر شریف نمونه باشد خوب می فهمد. اگر تفسیر نور باشد تفاسیر محترمی هم هست می خواهم مثال به تفاسیر ساده بزنم. ولی اگر کشف باشد نمی تواند. مفاتیح الغیب فخر رازی باشد نمی تواند. المیزان باشد نمی تواند یا آنگونه که باید بتواند نمی تواند. این مشکل را اسمش را بگذاریم عدم قدرت شخص بر ارتباط با تراث. تراث یعنی همان میراث گذشتگان، پشت سر، آنهایی که میراث گذشتگان است. من و شما از نان شب برای ما لازمتر است گاهی متدینها می گویند از نماز صبح حالا آن که نمی شود گفت مبالغه هست ولی جزء واجبات کار ماست که ما بتوانیم قدرت با تراث داشته باشیم. حالا شما بگو چرا آنها سخت نوشتند خُب نوشتند. شاید واقعاً هم کار خوبی کردند به هرحال ببینید بحث های علمی یک حدی دارد یک حدی می شود ساده کرد بالاخره نمی

شود خیلی خیلی ساده کرد. ما باید خودمان را تطبیق بدهیم. بنده یک زمانی مرکز تخصصی تفسیر می رفتم درس می دادم خیلی وقت پیش چند دهه قبل شاید مثلاً پنج شش سال رفتم برای دوستان در آنجا از متون می گفتم یک مقدار جوامع الجامع یا جامع الجوامع حالا اختلافی که روی اسم آن هست یک مقدار المیزان شاید یک مقدار کشاف تا آن صفحه ای که بنده گفته بودم همه بلد بودند. ورق می زدی نمی توانستند. حالا یا مشکل بگویید تو مشکل داشتی تو ناتوان بودی. فرض را بر این بگذاریم که بنده مثلاً در تدریس حالا نه که بگویم کارستان می کردم ولی ضعیف نبودم. فرض را بر این بگذارید. مطلب را قشنگ تحویل می دادم بیان می کردم بیانم سخت نبوده فرض را بر این بگذاریم حالا شما کم و بیش ما را می شناسید. فرض را بر این بگذارید که استاد مشکل اساسی نداشته یعنی فاعلیت فاعل مشکل نداشته قابلیت قابل مشکل بوده. البته آن هم معلول عللی هست وقتی ادبیات را درست نمی خواند می گوید حالا إِنَّ بَخْوَانَ أَنْ بَخْوَانَ ثُمَّ مَاذَا بَعْدَ هَذَا. کان زیدٌ بَخْوَانَ کان زیدٌ بَخْوَانَ بعضی آقایان هم می آورند آخر سال که می شد هداية الطلاب اینها را به طلاب یاد می دهند. چون نتوانسته با پایه آن شیر مادر در این صراط من گفتم شیر مادر. چون آن شیر مادر را درست نخورده آن چند سال اول بگویید ۱۰ سال اول چون شیر مادر را خوب نخورده قوی نشده نمی تواند با تراث مرتبط شود حالا استاد چه کار می تواند بکند بله تا آن صفحه ای که درس داده هنر کند او بتواند بفهمد و این فضلا نمی شود به نظر شما می شود؟ فرق هم نمی کند چه فقیه چه فیلسوف چه مفسر چه متکلم. مفسر اگر بخواهد با تفسیر آشنا شود مفسر قرآن شود آیا می تواند برای ارتباط با تراث قدرت نداشته باشد؟ فقیه می تواند مثلاً بخواهد

فقیه آینده شود نه درست مسائل کل افهام را بفهمد. نه کشف اللثام را از آن دربیآورد. نه جواهر را دربیآورد. بعد می خواهد چه کار کند بعد می خواهد فقیه شود! همیشه باید همین کتابهای دم دست فارسی را لذا من به شما بگویم بنده از کسانی هستم که با اصلاح متون حوزه موافقم یعنی موافقم بشرط شیء هستم نه لا بشرط اما با ساده کردن متون بطوری که محصل نتواند مرتبط با تراث غیر از آنهایی که می خواند بشود مخالفم. بله حالا یک متنی مثل ان کان کالخلیل فاکالخلیل و الا فکاحمد و الا فکیونس مرحوم در صمدیه دارد حالا به این چه می خواهد بگوید ان کان کالخلیل فاکالخلیل و الا فکاحمد و الا فکیونس حالا این هیچی معماگونه نه اما باید متون وزین و سنگین و علمی باشد. لذا در درس خارج یکی از کارهایی که استاد باید بکند طلبه باید بکند همین است من گاهی وقتها می شود یک صفحه از عراقی در درس می آورم کسی نداند ممکن است بگوید این آقا وقت اضافی برای طلاب فرض کرده. کلام را خلاصه کن بگو اتفاقاً بنده فرض کنید قدرت بر خلاصه کردن هم دارم اما عمداً این کار را نمی کنم می گویم بگذار طلبه درس با این متن شب و روز برود حالا اگر برگه هست برگه، اگر کتاب است کتاب، اگر نرم افزار است نرم افزار. لذا یک کاری که شما باید بکنید این است اگر استاد نقد کرد نگوئید چقدر قشنگ آن را خلاصه کرده آفرین بر این استاد خدا پدرش را بیامرزد ما وقت نداشتیم و برای ما خلاصه کرد به قول آن آقا آن را ساندویچی کرد دست ما داد اتفاقاً از نظر مطلب گاهی وقتها مطلب فرق نمی کند مطلب همین است یعنی حجم مطلبش اضافه نیست یعنی آن دانش افزایش فرق نمی کند. چه استاد خلاصه کند در پنج دقیقه، چه متن را بیاورد در یک ربع اما به هر حال باید مرتبط با تراث شد. این هم یک

شبه حاصل نمی شود باید کم کم، آرام آرام. اگر کسی کار کرد آشنا می شود. حتی اگر بتوانید مثلاً برای مباحثه تان بعضی از متون را انتخاب کنید. ما سال ۶۰-۶۱ درس خارج را که آن موقع شروع کردیم ما با رفقا جواهر مباحثه می کردیم البته خیلی از آن را هم نمی فهمیدیم. غلیغم اینکه بد هم نخوانده بودیم پایه را خوب خوانده بودیم ولی جواهر دیگر سختی خودش را دارد. ولی از آن زمان ارتباط با مثل جواهر را ما نبریدیم. حالا بعضی از مؤسسات و مدارس حتی آشنایی با متون دارند متن خوانی دارند مهم اسمش نیست مهم رسمش است مهم واقعیت آن است که انسان داشته باشد. حالا من شاید خیلی بحث را در روش شناسی تحصیل خارج پیش نبردم منتهای یک مقدار خیالم راحت است می دانید من در این کتاب صراط اندیشه و عمل در فصل دوم دوره های تحصیلی مبحث اول: دوره مقدمات، مبحث دوم: دوره سطح، معمولاً سطح دو و سطح عالی منظور من بوده مبحث سوم: دوره خارج از صفحه ۱۰۷ شروع می شود تا صفحه ۱۳۳ چیزی حدود ۲۸ صفحه. تازه این ۲۸ صفحه فقط برای دوره خارج است. شما می دانید که دوره خارج یک مشترکاتی با دوره های سطح هم دارد مثلاً روش مطالعاتی آن که دیگر فرق نمی کند. روش مباحثه، پیش مطالعه یا من گاهی در این کتاب تعبیر به پیش فکر کردم. معمولاً کمتر به آن توجه می کنند. پیش فکر یعنی اینکه انسان روی بحث آینده فکر کند. یکی از شاگردان مرحوم آقای صدر دیشب منزل ما آمده بود برای تسلیت گفتن، گفت یک زمانی من از آقای صدر پرسیدم که شما چقدر مطالعه می کنی؟ گفت سوال را اینگونه بکن: چقدر با کتابی؟ چون اگر بگویی چقدر مطالعه می کنی منظورت این است که چقدر کتاب باز می کنی و خط به خط می خوانی. من باید بگویم مثلاً روزی

۲ ساعت بعد بروید بگویند که آسید محمدباقر صدر روزی ۲ ساعت کار می کند. اما من در قصابی می روم (تعبیر خود آقای صدر بوده) دارم فکر می کنم. در بازار می روم فکر می کنم. سر سفره نشستم دارم فکر می کنم. من ۱۰٪ مطالعه می کنم ۹۰٪ فکر می کنم. البته من نمی خواهم این نسخه را برای همه توصیه کنم. حالا یک طلبه سال اول با دست پر از خالی بگویند من دارم فکر می کنم مرتب دارم فکر می کنم. مگر آقای صدر نگفته ۹۰٪ فکر کنید ۱۰٪ مطالعه. آن یک کمی باید گفت که یک کمی آرامتر مثلاً اما اینکه اصلاً انسان فکر نکند و همیشه مطالعه کند این درست نیست. پیش فکر. حتی بعضی از درسها پسین فکر، فکر پسین. اینها که مشترکات است. می خواهم بگویم این ۲۸ صفحه مخصوص درس خارج است بقیه اش هم فصل سوم: روش شناسی تحصیل به درد بحث های خارج می خورد. لذا اگر من در محضر شما امروز یک مسئله اساسی را در درس خارج رسیدگی کردم از چندتا، نگران نیستم چون خیلی ها یا بقیه اش در این کتاب هست مایل بودید مراجعه کنید مطالعه کنید.

پس همین را نتیجه بگیریم. اگر پذیرفتیم که در درس خارج سه هدف اساسی داریم: دانش افزایی که خودبخود حاصل می شود. این خیلی چیز ندارد آدم در درس خارج می رود استاد یک چیز می گوید یاد می گیرد. اما آن دوتای بعدی روش شناسی که عنصر دوم بود و عنصر سوم کاری بکنیم که ارتباط ما با تراث راحت شود. اگر اینطور باشد خیلی توفیق بدست آوریم. اینها فضلا به قول منطقیها غرض از تحصیل خارج بود. حالا شما ببینید متناسب با این غرض باید چه کار بکنید. گفتم اول غرض را کشف کنیم بعد روش را بعد ابزار را. وقتی

غرض این شد قهراً باید مباحثه متون داشته باشیم. باید از استاد بخواهیم گاهی با استاد بحث کنیم تا آخر.

منطقیها می گویند ما یک غرض و یک فایده داریم. غرض، علت غایی مثل اینکه می گوئیم هدف از درس خارج چیست؟ جواب: هدف از درس خارج سه چیز است: ۱ و ۲ و ۳ اما گاهی می گوئیم فایده درس خارج یعنی آن عناصری که اگر ما توجه کنیم حاصل می شود ولو ممکن است ما درس خارج را برای او نمی خوانیم، فضلا به شما بگوئیم درس خارج فوایدی هم می تواند داشته باشد. یکی از چیزهایی که در درس خارج به عنوان فایده درس خارج می تواند باشد این است که انسان از طریق همین دانش افزایی و یاد گرفتن روشها و ارتباط با تراث به امر پژوهش بپردازد. می دانید که بنده خیلی با نویسندگان شدن طلاب در سطوح مثلاً ابتدای کار موافق نیستم. مثلاً طرف درس خارج شروع کرده کتاب چاپ کرده. سال دوم کتاب دوم. سه ماه بعد کتاب بعدی. این را خیلی نمی پسندم اما اینکه اهل یادداشت و پژوهش باشد حالا اسم آن را بگذارید تقریر، پژوهش هرچه ما که در اسم بحث نداریم. بطوری که مثلاً بعد از ۱۰ سال درس خارج یک گنجینه ای از یادداشتهای و نکات داشته باشیم. من عذرخواهی می کنم اگر مثال زنده می زنم خدایی نکرده برخی توهمات نشود که مسئول هستیم. این کتابهایی که از بنده می بینید فقه و عقل، فقه و عرف، فقه و مصلحت، فقه و قراردادهای، روش شناسی، اینها همه حاصل همین یادداشتهاست. اینگونه نبوده که بنده با یک سازمانی قرارداد ببندم که من سر دو سال یک کتاب در این زمینه به شما تحویل می دهم. بعد هم شروع کنم این کتابخانه آن کتابخانه این آقا آن آقا یا خودم، نه، خیلی خزنده آرام مثلاً از وقتی من لمعه می خواندم حواسم بود که

بینم شهید با عقل چه کار می کند. می رفتم یادداشت می کردم. مثلاً این عرفی که می گویند این عرف چیست که می گویند عرف مثلاً. این فقه و حقوق قراردادهای حاصل دوران مکاسب بوده. چه وقتی مکاسب را می خواندم بعد که چند دوره مکاسب را تدریس کردم بعد هم دو سال خارج قراردادهای را عرض می کردم بعد هم چون در کتاب عجله هم ندارم ۱۰ سال بعد هم کار شد این دو جلد کتاب آمده که فقه و حقوق قراردادهای. نباید کتاب بدی هم باشد.

اینها چیزهای کمی نیست که انسان داشته باشد دست او پر باشد اینها دیگر از فواید درس خارج است تقریر، پژوهش. اینکه حالا البته تقریر تند تند حرف استاد را بنویسیم حالا بعضی ها دوست دارند می نویسند. من خودم درس خارج می رفتم شاید یک روز هم بی قلم و دفتر نرفتم چون بعضی ها نداشتند اصلاً مخالف بودند. بعضی ها از همان اول معروف بود که سرفه را هم نوشت اینجا استاد مثلاً سرفه کرد. ولی روح مطلب، لب مطلب، اگر نکته اضافی می گفت حالا یک دفعه نقل از آقای آخوند می کرد می دانستیم این مبحث آخوند است دیگر یادداشت نمی کردیم برای چه چایی را خطی کنیم. اما بعضی اساتید که ما داشتیم عنایت داشتیم آنها هم عنایت داشتند نام هم نبرند این اواخر و اواسط که ما می دانستیم حرف کیست ولی آن اوایل نمی دانستیم یادداشت می کردیم. همین یادداشتها و نکته ها باعث شد بعدها یک آثاری بوجود بیاید. اینها را من دیگر غرض یعنی نمی توانیم بگوییم کسی درس خارج برای تقریر می رود اما می تواند از فواید درس خارج باشد. فواید دیگری هم هست که من از بیانش خودداری می کنم. خیلی دغدغه داشتم که حرفی را نزنم که بزرگواران دیگر بهتر از آن را بیان کرده باشند. حرف جدیدی باشد یا شکل جدیدی باشد

یا محتوا جدید باشد. إن شاء الله که ما به این هدف رسیده باشیم. من دعا می کنم نزدیک های مغرب است که به توفیق خداوند بزرگ و عنایت خاتم الاوصیاء حجت حق که به سربازانشان عنایت دارند إن شاء الله شما را در سیمای عالمانی بزرگ، عالمانی نظریه پرداز، عالمانی منضبط و نوآور این دو با هم، هم منضبط هم نوآور شما را ببینیم. یک یادبود هم من از این جلسه به شما بدهم اگر قبلاً از من یا از بزرگواری نشنیدید.

ما سربازیم سرباز باید ارتباط با فرماندهش داشته باشد اگر بتواند صبح تا صبح محضرش برود سلام کند ادب کند سربازی ادب دارد. یکی از آداب سربازی این است که انسان با فرمانده بده بستان داشته باشد. اگر فرمانده حجت حق باشد مالک الزمان باشد صاحب الزمان باشد صاحب در اینجا یعنی مالک صاحب الزمان یعنی مالک الزمان. اگر طلبه با این فرمانده بده بستان داشته باشد روزی دو رکعت نماز مثل نماز صبح مقید باشید حالا هروقت شد از صبح تا شب هروقت، وقت کردید بهتر است همان صبح بعد از نافله صبح، قبل از نماز صبح بعد از نماز صبح همان صبح انسان بگوید آقا مولا سرور منالار این هدیه به شما دو رکعت نماز برای سلامتی شما خواندم. امام هم مریضی و ناراحتی دارند امام هم ممکن است فشار خون و مریضی داشته باشند حالا خودشان عالم به هرچه هستند آنها چیزهای دیگر است بلد هستیم اینها برای ما قابل جمع هست برای بعضی ها قابل جمع نیست. برای فرج امام زمان اصلاً برای اینکه خود سرباز خودش را مقرب کند خودش را نشان بدهد دو رکعت نماز برای امام زمان قطعاً امام هم بی جواب نمی گذارند. من و شما اگر یک کسی خودکار به ما هدیه بدهد رصد می کنیم تا یک زمانی یک خودنویس یا یک خودکار به او بدهیم.

آنوقت یک سرباز هر روز از فرماندهش یاد کند و امام بگویند خیلی ممنون.
گرچه همان خیلی ممنونش هم خوب است ارزش است مزد است این هم
یادبودی از این جلسه برای همیشه تا آخر عمر.

الحمد لله رب العالمین

دوره «درس خارج و تحصیل موفق»

مدرسه خارج عمومی موسسه عالی فقه و علوم اسلامی

فروردین ۱۴۰۰

دوره درس خارج و تحصیل موفق موسسه عالی فقه و علوم اسلامی